

تبیین ربوبیت عامه الهی در سوره مُلک بر پایه تفسیر ساختاری با تأکید بر تفسیر المیزان

حسین علوی مهر^۱

سید عبدالرسول حسینی زاده^۲

ابوالفضل صادقی^۳

چکیده

بررسی ساختار هندسی آیات قرآن کریم بر پایه اهداف سور، روی آورد جدید دوران معاصر است که از آن، با عنوان تفسیر ساختاری یاد می‌شود. در این روش، روابط بین آیات در پرتو غرض سوره کشف شده و با توجه به ساختار سوره و سیاق آیات، می‌توان به معنای روشن و منطقی آیات دست یافت. هدف مقاله حاضر، بررسی ساختاری سوره مبارکه مُلک است که با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر برخی از تفاسیر شیعه و اهل سنت و با تأکید بر تفسیر شریف المیزان، سامان یافته است. بررسی‌ها، نشان می‌دهد که هدف اصلی این سوره، ناظر به تبیین و توصیف فرمان‌روایی و ربوبیت عامه الهی بر جهان هستی و زندگی انسان‌هاست و مواردی هم‌چون دلایل این ربوبیت و فرمان‌روایی، تأثیر اعتقاد به ربوبیت خدا در سرنوشت اخروی انسان‌ها و نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها، به عنوان اهداف فرعی و ثانوی، مورد توجه بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تفسیر ساختاری، تفسیر المیزان، تناسب آیات، سوره مُلک.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: halavimehr5@gmail.com

۲. دانشیار تفسیر و علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

Email: hosseiny43@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: sadeghi9610@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

مقدمه

۱. بیان مسئله

یکی از روش‌های نوین در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر ساختاری است که در سال‌های اخیر، به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. این روش، گرچه در بین متقدمان نیز به طور محدود مطرح بوده و از آن با عنوان علم تناسب یاد شده، لکن در آثار قُدما، تنها به بحث‌هایی پیرامون ارتباط بین آیات مجاور در یک سوره، ارتباط لفظی پایان آیه با آغاز آن و... پرداخته و فقط به ذکر نمونه‌ها و مصادیقی اکتفا شده است؛ اما قرآن پژوهان معاصر، آن را از منظر جدیدی نگریسته و معتقدند که هر سوره از قرآن کریم دارای هدف و غرض واحدی است که در پیوستگی و نظم میان آیات، نقش عمده‌ای دارد.

اهمیت موضوع تا بدان جاست که به عقیده برخی مفسران، اگر پیوستگی میان آیات یک سوره نشان داده شود، غیر بشری بودن قرآن و وجه اعجاز آن، اثبات می‌گردد؛ چرا که قرآن کریم برخلاف متون بشری، از پراکنده‌گویی مبراست و آیات آن با یک چینش خاصی در کنار یکدیگر قرار گرفته و نظم قرآن را شکل داده‌اند؛ لذا مرتبط ندیدن آیات قرآن، راه را بر مدعیان تحریف، هموار می‌نماید، اما وجود ارتباط و انسجام بین آیات قرآن، الهی بودن آن را به اثبات می‌رساند (ن.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۲۶۱؛ همان: ج ۷، ص ۱۳۴؛ همان: ج ۳۰، ص ۷۲۷).

تفسیر ساختاری، گونه‌ای از تفسیر موضوعی است که بر نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن کریم مبتنی است. این نظریه، محتوای هر سوره قرآن را تنها بر محور یک موضوع اصلی و محوری، دائر می‌داند که مفسر، بایستی با تدبیر در محتوای آن سوره به کشف موضوع اصلی و محوری آن، دست یابد و سپس، تمامی آیات آن سوره را در ارتباط با موضوع اصلی سوره، تفسیر نماید (ن.ک: شحاته، ۱۳۶۹ش: ص ۲۷؛ مسلم، ۱۴۱۰ق: ص ۲۹).

گفتنی است که روش تفسیری حوی در تفسیر الاساس را می‌توان یکی از بارزترین نمونه‌های تفسیر ساختاری دانست که برخی از معاصران نیز از آن پیروی نموده‌اند. در این تفسیر، مفسر سعی نموده تا علاوه بر تبیین مناسبت آیات در یک سوره یا یک سوره با سوره پیشین و پسین خود، مناسبت تمام قرآن با یکدیگر و نسبت و ارتباط بین جمع آیات و سوره‌ها را نیز اثبات کند و در نهایت، یک وحدت موضوعی کامل از قرآن کریم را استخراج نماید (حوی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۳۰). سید قطب نیز در تفسیر خود، با تأکید بر موضوع توقیفی بودن چینش آیات و سوره، یکی از هماهنگی‌های هنری موجود در قرآن کریم را تسلسل معنوی موجود بین اغراض، سیاق آیات و تناسب آن‌ها در امر انتقال از غرضی به غرض دیگر دانسته و هر یک از سوره‌های قرآن کریم را دارای

یک شخصیت ممتاز و یک روح خاص، شمرده است که قوام سرتاسر سوره به آن است و این شیوه همگانی را درخصوص تمامی سوره‌های قرآن کریم، حتی سوره بقره، صحیح دانسته است، تا آن جا که کشف وحدت موضوعی در تمامی سوره‌های قرآن کریم، یکی از اساسی‌ترین مبانی تفسیری وی بوده و به صورتی گسترده و منظم، در تفسیر وی، ارائه و تبیین گردیده است (ن.ک: سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۲۸؛ همان: ج ۲، ص ۱۰۱۶؛ همان: ج ۳، ص ۱۲۴۳؛ همان: ج ۴، ص ۲۰۶۶).

صاحب تفسیر المیزان، یکی از مهم‌ترین تفاوت میان اهداف هر سوره را انسجام و پیوستگی خاص آیات آن دانسته و با اهتمام به این اصل، به منظور تبیین تناسب و برقراری ارتباط معنایی آیات قرآن کریم و کشف هدف کلی و مقاصد جزئی سوره‌ها اقدام نموده است. هم‌چنین ایشان بر این نکته اصرار ورزیده است که هر سوره، تنها مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بی‌ارتباط با هم نیست، بلکه وحدتی فراگیر بر هر سوره‌ای حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند؛ لذا ایشان در ابتدای شرح و تفسیر هر سوره، پس از بیان فشرده‌ای از مطالب سوره، اهداف و غرض اصلی آن سوره را برشمرده و بسیاری از برداشت‌های تفسیری خود را بر پایه آن، تبیین نموده است (ن.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ص ۱۵؛ همان: ج ۴، ص ۱۳۵؛ همان: ج ۱۵، ص ۷۸).

۲. پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه تفسیر ساختاری قرآن کریم، بایستی بیان نمود که این شیوه تفسیری، به طور خاص، در کتاب‌های الوحدہ الموضوعیة فی القرآن الکریم (حجازی، ۱۳۹۰ق)، الوحدہ الموضوعیة فی القرآن الکریم و السوره القرآنیة (اطرش، ۲۰۰۸م)، اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم (شحاته، ۱۳۶۹ش)، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم (مسلم، ۱۴۳۱ق)، الی القرآن الکریم (شلتوت، بی تا) و التباء العظیم (دراز، ۱۴۲۶ق)، تجلی و انعکاس یافته است. در ضمن از جمله مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل سنت که به این شیوه نگارش یافته‌اند، می‌توان به الاساس فی التفسیر (حوی، ۱۴۲۴ق)، فی ظلال القرآن (سید قطب، ۱۴۲۵ق)، التفسیر الحدیث (دروزه، ۱۴۲۱ق)، المنار (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق) و المیزان فی تفسیر القرآن (طباطبایی، ۱۳۹۰ق) اشاره نمود. علاوه بر کتب فوق‌الذکر، مقالات مختلفی نیز در این خصوص به رشته تحریر در آمده است که هر یک به نوعی، به تبیین و توصیف گوشه‌ای از قواعد و ضوابط مربوط به این نوع تفسیر پرداخته‌اند و یا یکی از سوره‌های قرآن کریم را بر اساس آن، تفسیر نموده‌اند. از جمله: «درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن کریم» (خامه‌گر، ۱۳۸۱ش)، «جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن کریم» (مطالعه موردی آیات ۱۰۴، ۱۱۴ و ۲۷۵ سوره بقره) (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶ش)، «تفسیر ساختاری سوره یس با تأکید بر تفسیر المیزان» (غروی، ۱۳۹۴ش)، «کشف غرض سوره ص با تأکید

بر تفسیر/المیزان» (صالحی، ۱۳۹۸ش)، «ساختار و هدف‌مندی سوره سباء در تفسیر/المیزان» (زکی، ۱۳۹۷ش)؛ اما این‌که در یک مقاله با رویکرد تفسیر ساختاری به بررسی سوره «ملک» پرداخته شده باشد، تاکنون پژوهشی سامان نیافته و همین عامل، وجه نوآوری این نوشتار را آشکار نموده و سبب به وجود آمدن شاکله این تحقیق گردیده است؛ لذا رهیافت این مقاله، بر اساس چنین نگاهی بوده تا سوره ملک را با جستاری در میان شماری از مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل سنت و با تأکید بر تفسیر شریف/المیزان، مورد تأمل و بررسی قرار داده و با توجه عمیق نسبت به کیفیت ارتباط آیات و دسته‌بندی نمودن محتوای سوره، غرض و هدف اصلی این سوره را کشف نموده و ربوبیت عامه الهی را بر اساس آن، تبیین و تحلیل نماید.

۳. ضرورت و روش پژوهش

هدف مقاله حاضر، تبیین ربوبیت عامه الهی در سوره ملک با تفسیر ساختاری با تأکید بر تفسیر/المیزان است. با توجه به این‌که در مقالاتی که در پیشینه معرفی گردید، موضوع سوره ملک و کشف غرض این سوره، مورد توجه و عنایت جدی قرار نگرفته است، لذا ضروری به نظر رسید تا در پژوهشی مستقل، به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، سوره ملک را با جستاری در میان شماری از مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل سنت و با تکیه بر نظرات ارزش‌مند برخی از مفسرین فریقین و با تأکید بر تفسیر/المیزان، مورد تأمل و بررسی قرار داده و با توجه عمیق نسبت به کیفیت ارتباط آیات و دسته‌بندی نمودن محتوای سوره، غرض و هدف اصلی این سوره را کشف نموده و ربوبیت عامه الهی را بر اساس آن، تبیین و تحلیل نمود.

یافته‌ها و بحث

۱. معرفی اجمالی سوره ملک

سوره مبارکه ملک، ۶۷ سوره قرآن کریم بوده و دارای ۳۰ آیه است و در ابتدای جزء ۲۹، جای دارد. این سوره پس از سوره طور و پیش از سوره حاقّه و قبل از هجرت، در مکه مکرمه نازل گردیده است (رامیار، ۱۳۶۲ش: ص ۳۶۰). این سوره، همانند سوره فرقان، با عبارت «تَبَارَكَ الَّذِي» آغاز شده و در شمار سوره‌های «ممتحنات» است (همان: ص ۳۶۱). سوره‌های فتح، حشر، سجده، طلاق، قلم، حجرات، ملک، تغابن، منافقون، جمعه، صف، جن، نوح، مجادله، ممتحنه و تحریم، سوره ممتحنات هستند. این سوره‌ها با هم تناسب محتوایی دارند و چون یکی از آن‌ها، ممتحنه است، ممتحنات نامیده شده‌اند (حجتی، ۱۳۱۱ش: ص ۱۰۴).

در خصوص وجه تسمیه این سوره، به نام‌های «ملک» و «تَبَارَكَ»، به وجود این دو واژه در

نخستین آیه آن استناد شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ج ۵، ص ۳۳۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹، ص ۵). واژه «مُلک» در معنای مملکت، سلطنت، استیلاء و عظمت آمده است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۵، ص ۲۸۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ص ۴۹۲)، اما در استعمال قرآن، به معنای قدرت، حکومت و اداره امور است (ن.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۷۷۴؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۶، ص ۲۷۳). واژه «تَبَارک» نیز در معانی مختلفی چون «بلند مرتبگی و بزرگواری» (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۹، ص ۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۷۴)، «ثبوت خیر و رشد و نموآن» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۴۸۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۹) و «صدور برکات و خیرات بسیار زیاد از ناحیه خدا» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۴۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۳، ص ۱۲) دانسته شده است. نام‌های دیگری هم چون مانعه (جلوگیری کننده)، مَنَاعَه (بسیار باز دارنده)، دافعه (برطرف کننده)، واقیه (نگه دارنده) و مُنْجِیَه (نجات دهنده) نیز به این سوره نسبت داده اند که علت این نام‌گذاری‌ها در روایات متعدد، حفظ قاریان و عاملان به مضامین این سوره از عذاب قبر و نجات از آتش دوزخ، بیان شده است (ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۷۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۸، ص ۱۹۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۰، ص ۱۷۰).

۲. سوره ملک در نظام ساختاری

برای ارائه تفسیر ساختاری یک سوره از قرآن کریم، بایستی دو مرحله طی شود؛ در مرحله اول، با توجه به قواعد علمی، ساختار و غرض اصلی سوره به روش استدلالی کشف شود و محتوای سوره، فصل بندی گردد؛ در مرحله دوم، با توجه به کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات، متن تفسیر ساختاری سوره به روش پیوسته ارائه گردد (ن.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۱ش: صص ۲۰۸-۲۱۷).

حال با توجه به فرآیند فوق، مراحل تفسیر ساختاری سوره ملک، در دو بخش تبیین می‌گردد.

۱-۲. کشف ساختار و تبیین غرض اصلی سوره ملک: صاحب تفسیر المیزان، نظام ساختاری سوره ملک را بر مبنای تأکید بر پذیرش همگانی دعوت خدای متعال به یگانگی ربوبیت الهی و باور به مسئله معاد دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۴۸) و با توجه به محتوا و سیاق آیات، در تبیین مواردی هم چون دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خدا بر جهان هستی، تأثیر اعتقاد به ربوبیت خدا در سرنوشت اخروی انسان‌ها و نشانه‌های این تدبیر و ربوبیت در زندگی انسان‌ها، کوشیده است.

آیات این سوره را می‌توان بر محوریت سه موضوع اساسی دسته‌بندی نمود: ۱. بحث‌هایی پیرامون مبدأ، صفات خداوند متعال و نظام شگفت‌انگیز خلقت، به خصوص آفرینش آسمان‌ها، زمین، ستارگان، پرندگان، آب‌های جاری و ابزارهای شناخت؛ ۲. بحث‌هایی پیرامون معاد، عذاب

دوزخ و گفتگوهای مأموران عذاب با دوزخیان و مانند آن؛ ۳. بحث‌هایی پیرامون انذار و تهدید کافران و ظالمان به انواع عذاب‌های دنیا و آخرت (ن.ک: مراغی، بی تا: ج ۲۹، ص ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۱۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۱۰، ص ۱۴۴).

و اما مراحل کشف ساختار و غرض اصلی سوره ملک در سه مرحله صورت می‌پذیرد که به شرح زیر است:

۱-۲. مرحله اول: گفتاربندی سوره و عنوان‌گذاری آیات: آیات سوره ملک را می‌توان در سه بخش عمده، دسته‌بندی نمود که عناوین انتخابی هر بخش، به همراه زیر شاخه‌های منشعب آن، به شرح زیر است:

بخش اول: دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خداوند متعال در جهان هستی (آیات ۱-۵):

* تبیین مفهوم ربوبیت الهی: (آیه ۱)؛

* دلایل ربوبیت الهی: (آیات ۱-۵)؛

دلیل اول: مالکیت مطلق الهی و وابستگی جهان به عنایت دائمی خدا: (آیه ۱)؛

دلیل دوم: تصرف و تسلط نامحدود الهی و آفرینش حکیمانه مرگ و حیات انسان‌ها: (آیه ۲)؛

دلیل سوم: خالقیت کامل و بی‌نقص الهی و آفرینش هدف‌مند و هماهنگ نظام کیهانی: (آیات ۳-۵).

بخش دوم: تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسان‌ها (آیات ۶-۱۴):

* منکران ربوبیت الهی: (آیات ۶-۱۱)؛

- عذاب اخروی منکران ربوبیت الهی: (آیات ۶-۸)؛

- علت عذاب منکران ربوبیت الهی: (آیات ۹-۱۱).

* معتقدان به ربوبیت الهی: (آیه ۱۲)؛

- معرفی معتقدان به ربوبیت الهی: (آیه ۱۲)؛

- پاداش اخروی معتقدان به ربوبیت الهی: (آیه ۱۲).

* آگاهی خداوند متعال از عقاید انسان‌ها و تبیین علم نامحدود الهی: (آیات ۱۳-۱۴).

بخش سوم: نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها (آیات ۱۵-۳۰):

* آماده‌سازی زمین برای بهره‌مندی انسان‌ها: (آیات ۱۵-۱۸).

* پرواز پرندگان در آسمان: (آیه ۱۹).

* ناتوانی معبودهای خیالی: (آیات ۲۰-۲۲)؛

- در یاری دادن به انسان‌ها: (آیه ۲۰)؛

- در رزق رساندن به انسان‌ها: (آیه ۲۱)؛
- دل‌بستگی برخی انسان‌ها به معبودهای خیالی و واقعیت درونی آن‌ها: (آیه ۲۲).
- * خلقت انسان و مجهز ساختن او به قدرت شنوایی، بینایی و تعقل: (آیه ۲۳).
- * بازگشت انسان به سوی خدا و برپایی حتمی قیامت: (آیات ۲۴-۲۹)؛
- دائمی نبودن انسان در زمین: (آیه ۲۴)؛
- برپایی حتمی قیامت: (آیات ۲۵-۲۶)؛
- خسران و پشیمانی منکران قیامت: (آیه ۲۷)؛
- حتمی بودن عذاب کافران: (آیه ۲۸)؛
- امیدواری مؤمنان به رحمت الهی: (آیه ۲۹).
- * جاری نمودن نعمت آب بر روی سطح زمین: (آیه ۳۰).

۲-۱-۲. مرحله دوم: کشف غرض سوره با توجه به مجموع عناوین و محتوای گفتارهای

سوره: پس از گفتاربندی آیات سوره ملک و مشخص نمودن عناوین گفتارها، نوبت به کشف غرض و هدف اصلی این سوره می‌رسد که برای انجام این کار، بایستی به جمع‌بندی گفتارهای مطرح شده در این سوره بپردازیم.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، عناوین گفتارهای این سوره عبارت‌اند از:

گفتار اول: دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خدا در جهان هستی؛ گفتار دوم: تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسان‌ها؛ گفتار سوم: نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها. و اما برای جمع‌بندی عناوین مطرح شده در این سوره، بایستی به موارد زیر توجه نمود:

اول آن‌که: دقت و تأمل در عنوان بندی این سه گفتار، به خوبی روشن می‌سازد که می‌توان، تمامی این عناوین را به نوعی، در موضوع فرمان‌روایی و تدبیر خدا بر جهان هستی و زندگی انسان‌ها خلاصه نمود که علامه طباطبایی از آن، با عنوان ربوبیت عامه الهی یاد نموده‌اند؛

دوم آن‌که: نام اصلی این سوره، «مُلک» یا «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن اطلاق گردیده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹، ص ۵) و به معنای حکومت، فرمان‌روایی و تدبیر بوده و این نام‌ها، با غرض و هدف اصلی سوره، به طور کامل هماهنگ است؛

سوم آن‌که: آیاتی که در این سوره با محوریت موضوعاتی هم‌چون مرگ و حیات، نظام شگفت‌انگیز خلقت، آفرینش آسمان‌ها، زمین، پرندگان و... ذکر گردیده، دارای فراوانی بیشتری نسبت به سایر موضوعات مطرح شده در این سوره بوده و هر یک به نوعی، با موضوع تدبیر و ربوبیت الهی ارتباط دارند.

۲-۳. **مرحله سوم: دفاع از غرض سوره:** مفسرانی که به بیان هدف و غرض اصلی سوره‌ها در تفسیر خویش، توجه ویژه داشته‌اند، درخصوص تبیین غرض اصلی سوره ملک، اختلاف نظر دارند که در مجموع، می‌توان به چهار دیدگاه عمده در این باره، اشاره نمود:

* به گفته برخی مفسران، غرض اصلی این سوره، بیان عمومیت ربوبیت خداوند متعال برای تمامی عالم است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۴۸) که به معاد منتهی می‌گردد (قرشی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۱، ص ۲۴۸) و این عقیده، در مقابل عقاید باطل مشرکان و بت پرستان است که به شرک ربوبی دچار بوده (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹، ص ۸) و معتقد بودند که برای هر یک از نواحی عالم، ربی جداگانه هست که یا از خیل فرشتگان و یا از جنس مخلوقات دیگر است؛ لذا علت ذکر بسیاری از نعمت‌ها در این سوره، استدلالی بر ربوبیت عامه الهی است (طباطبایی، همان).

** به گفته برخی دیگر از مفسران، محور اصلی این سوره را مالکیت و حاکمیت مطلق الهی تشکیل می‌دهد که در آیه نخست آن، ذکر شده و شمارش نعمت‌های الهی در این سوره، بدین سبب بوده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۶، ص ۳۶۲۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۱۱).

*** برخی دیگر، بیان مبانی توحیدی، اعم از ربوبیت و مالکیت الهی را به عنوان غرض اصلی این سوره دانسته‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۳، ص ۱۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۴۷۸).

**** به گفته برخی دیگر، پرورش حالت خُشیت نسبت به خداوند سبحان، تنبّه و عبرت‌پذیری، غرض اصلی این سوره را تشکیل می‌دهد (بقاعی، ۱۴۲۷ق: ج ۸، ص ۶۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶، ص ۱۳۴).

گفتنی است که دقت و تعمق در وجوه فوق‌الذکر و بررسی محتوا، مضامین و سیاق آیات این سوره، روشن می‌سازد که هر چند، وجوه دوم و سوم صحیح هستند، اما می‌توان آن‌ها را به نوعی به وجه اول بازگرداند. لذا وجه اول که از علامه طباطبایی در تفسیر/المیزان نقل شده و با عباراتی مشابه توسط صاحب تفسیر/حسن الحدیث، شرح گردیده است، صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که سوره ملک در اواخر حضور رسول خدا ﷺ در مکه نازل شده و مشرکان و بت پرستان در فضای آن روز، ربوبیت تامه برای خدای سبحان، قائل نبوده و برای هر یک از امورات عالم، یک رب مستقل می‌پنداشتند. لذا آیات این سوره در نفی این عقاید باطل نازل گردیده و به توحید ربوبی اشاره دارند. وجه چهارم را نیز می‌توان به نوعی، جزو اهداف فرعی و ثانوی این سوره، تلقی نمود.

حال جهت تقویت دیدگاه اول، با استناد به شواهد و قرائن فراوانی که پیش‌تر، شرح و تبیین گردید و هم‌چنین با استفاده از کتاب ساختار سوره‌های قرآن کریم اثر حجت‌الاسلام خامه‌گر

(۱۳۹۲ش) و استمداد جُستن از روش دلالت پژوهی، می‌توان محتوای ساختاری سوره مبارکه ملک را با محوریت موضوع فرمان‌روایی و ربوبیت عامه الهی بر جهان هستی و زندگی انسان‌ها، به شکل زیر ترسیم نمود:



۲-۲. **تفسیر ساختاری سوره ملک:** پس از کشف ساختار و غرض اصلی سوره ملک، در این مرحله، نوبت آن است که با دقت و تعمق در کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و هم‌چنین معنای تفسیری آیات، تفسیر ساختاری این سوره را به روش پیوسته ارائه نمود. حال با توجه به کشف هدف اصلی این سوره که همان ربوبیت عامه الهی است و تدبر و تأمل در گفتار بندی آیات این سوره که در تفسیر المیزان در سه بخش، در تفسیر الاساس در دو بخش و در تفسیر فی ظلال القرآن در یک بخش، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، تفسیر و تبیین این سوره، به شرح زیر خواهد بود:

۲-۱. بخش اول: بیان دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خداوند متعال در جهان

هستی (آیات اول تا پنجم)

* **آیه اول: تبیین مفهوم ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خدا در جهان هستی:** «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بزرگوار [و خجسته] است، آن که فرمان‌روایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست».

علامه طباطبایی معتقد است، دلیل این‌که در این سوره بسیاری از نعمت‌های الهی از خلقت و تدبیر ذکر گردیده، استدلالی بر ربوبیت عامه الهی است. لذا به همین مناسبت است که سخن را با کلمه تبارک آغاز نموده؛ چون این کلمه به معنای کثرت صدور برکات از ناحیه خدای متعال است و این‌که مکرر جناب ربوبی را به صفت رحمان که مبالغه در رحمت است، می‌ستاید، چون رحمت، همان عطیه در قبال استدعای حاجت‌مند است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۴۸).

گفتنی است که صاحب تفسیر مجمع البیان نیز بیان نموده، از آن‌جا که خدای سبحان، سوره تحریم را با اشاره به این‌که اتصال به رسول خدا ﷺ جز با اطاعت وی سودی ندارد و ریشه اطاعت هم چیزی جز معرفت و تصدیق کلمات الهی نیست، به پایان رسانده است، لذا سوره ملک را با دلایل معرفت و آیات پروردگار، آغاز نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۴۸۲). این سوره با ثنای الهی آغاز گردیده که یکی از اسلوب‌های نظم قرآن کریم است و در مطلع بسیاری از سوره‌ها به چشم می‌خورد (دروازه، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ص ۳۷۴). در ضمن آغاز این سوره با مسئله مهم مالکیت و حاکمیت الهی و جاودانگی ذات پاک او آغاز شده است که در واقع، کلید تمامی مباحث این سوره محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۱۱).

در خصوص معنای مُلک و تَبَارَكَ، در ابتدای این جستار، مطالبی ذکر گردید و در این‌جا لازم به ذکر است که گرچه قرآن کریم، درباره خودش و پیامبرش، کلمه تَبَارَكَ را به کار برده است، اما سرچشمه تمامی برکات، از ناحیه خدا و قدرت بی‌پایان اوست. حکومت‌های دنیا، جزئی، موقت

و محدودند و برکات زیادی ندارند، اما حکومت خدا، ابدی و پر برکت است (قرآنی، ۱۳۸۸ ش: ج ۱، ص ۱۱۴۶). در ضمن مفاد «بِیْدِهِ الْمُلْک» بیان‌گر آن است که هرگونه نیرو، قدرت و تأثیری که در قدسیان و موجودات مادی موجود است، ظهوری از قدرت قاهره اوست که در آن موجود، به ودیعت نهاده شده و نظام جهان را بر اساس این تأثیر و تأثر و فعل و انفعال استوار نموده است و فقط پروردگار متعال است که مالک حقیقی تمامی آفریده‌ها بوده و از هر لحاظ، زمام تدبیر آن‌ها را در حیطه قدرت خود دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۴۷۸).

عبارت «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» اشاره‌ای دارد به این‌که قدرت خدا، محدود به هیچ حد و نهایتی نیست و لازمه اطلاق مُلک، به حَسَب سیاق، همین است؛ هرچند که صرف نظر از سیاق، مطلق آوردن واژه مُلک، از لوازم اطلاق قدرت بوده و از صفات ذات الهی است. در ضمن این آیه اشاره‌ای هم به برهانی دارد که با آن، بر امکان وقوع معاد، استدلال می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۴۹).

*** آیه دوم: تصرف و تسلط نامحدود الهی و آفرینش حکیمانه مرگ و حیات انسان‌ها:**
«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوكُمُ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ؛ همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست، ارج‌مند آمرزنده».

در این آیه، به هدف خلقت موت و حیات در انسان، اشاره شده و با در نظر گرفتن این‌که کلمه بَلَاء (که مصدر لِيُبْلُوكُم است) به معنای امتحان است، معنای آیه چنین می‌شود که خدای متعال، شما را این‌طور آفریده که نخست موجودی زنده باشید و سپس بمیرید و این نوع از خلقت، مقدمی و امتحانی است و برای این است که به این وسیله، خوب شما از بدتان متمایز گردیده و معلوم شود که کدامتان از دیگران بهتر عمل می‌کنید (همان).

علت تقدم مرگ بر حیات در این آیه، بیان اصل فناپذیری تمامی اشیاء بوده و این‌که حیات، عارض بر آن است (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۳۰۸) و هم‌چنین تبیین عدم دل‌بستگی به دنیای فانی و لذت‌های زودگذر آن (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۰۰). در ضمن دعوت‌کننده است به این‌که انسان در حال حیات و در این دنیا، به انجام عمل صالح پردازد تا بتواند بعد از مرگ و در آخرت، آن را با چشمان خود ببیند و پاداش آن را دریافت نماید (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۸۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۱۱). گفتنی است که در این آیه، «لِيُبْلُوكُم»، به معنای «لِيَعْلَمُكُم» (زمخسری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۷۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹، ص ۱۴) و یا به معنای «لِيُعَامِلُكُم» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۲۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۵، ص ۶) دانسته شده است.

لازم به ذکر است، دلیل این‌که در این آیه مرگ نیز همانند حیات، آفرینی دانسته شده،

این است که از تعالیم قرآن کریم بر می آید که مرگ به معنای عدم حیات نبوده، بلکه به معنای انتقال و امری وجودی است و همانند حیات، خلقت پذیر است. ضمن آن که چون در این آیه، سخنی از گناه، کار زشت و کیفر نیامده و تنها عمل خوب ذکر گردیده است، پس معلوم می شود که صاحبان عمل نیک، مقصود اصلی از خلقت هستند و دیگران به خاطر آنان خلق شده اند (ن.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۵۰).

هدف از خلقت انسان در آیات قرآن کریم، مواردی هم چون عبادت، انتخاب راه صواب از ناصواب و رحمت الهی بر مردم دانسته شده است (قرآنی، ۱۳۸۸ش: ج ۱۰، ص ۱۴۵) و اگر در این آیه شریفه، به آزمایش حُسن عمل اشاره شده و نه کثرت عمل، این موضوع دلیل بر آن است که اسلام به کیفیت عمل، اهمیت می دهد و نه به کمیت آن؛ لذا این عالم، میدان آزمایش بزرگی برای تمامی انسان هاست. مرگ و حیات، وسیله این آزمایش هستند و هدف این آزمون بزرگ، رسیدن به حُسن عمل است که مفهومش، تکامل معرفت، اخلاص نیت و انجام هر کار خیری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۱۲). در ضمن مراد از حسن عمل، خلوص فعل، تمامیت عقل و زهد در دنیا، دانسته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۰، ص ۵۸۱).

عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُوْرُ» در پایان آیه می فهماند که او عزیز است، چون مُلک مطلق و قدرت مطلقه، خاص اوست و کسی نیست که بر او غالب گردد و اگر مخالفین را قدرت مخالفت داده، برای آزمایش آنان بوده و به زودی از آنان انتقام می گیرد و هم چنین می فهماند که او غفور است؛ چون بسیاری از گناهان توبه کنندگان را در دنیا و آخرت می آمرزد؛ لذا عاصیان را تخویف و تطمیع نموده است؛ چرا که وقتی این دو نام، در سیاق دعوت ذکر گردند، ترغیب و ترهیب را می رسانند (ن.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۵۰).

* آیات سوم تا پنجم: خالقیت کامل و بی نقص الهی و آفرینش هدف مند و هماهنگ

نظام کیهانی: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُوْرٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيْرٌ * وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحٍ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُوْمًا لِلشَّيَاطِيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيْرِ؛ همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن [خدای] بخشایش گر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی بینی. باز بنگر، آیا خلل [و نقصانی] می بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت زیون و درمانده به سویت بازگردد و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغ هایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین گردانیدیم و برای آن ها، عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم».

این آیات اشاره می کند که در خلقت خدا، چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد، وجود

ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۴۶) و خدای متعال، هفت آسمان را آفریده، در حالی که مطابق و مثل هم هستند (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۳، ص ۱۱۲) و هیچ‌گونه تفاوت و خللی در میان آن‌ها نیست (طوسی، همان) و منظور از نبودن تفاوت در خلق، این است که تدبیر الهی در سرتاسر جهان، زنجیروار به هم متصل بوده و نیز بعضی موجودات به بعض دیگر مرتبطند، به این معنا که نتایج حاصله از هر موجودی، عاید موجود دیگری می‌شود و خدای تعالی، اجزای عالم خلقت را طوری آفریده است که هر موجودی بتواند به آن هدف و غرضی که برای آن خلق شده است، برسد (طباطبایی، همان). در پایان آیه نیز به این موضوع اشاره شده که آسمان دنیا با ستارگانی که هم چون چراغ‌های نورانی هستند، زینت داده شده و آن‌ها را جهت راندن شیطان‌هایی که استراق سمع می‌کنند، نهاده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۹، ص ۴) و دلالت دارد بر این‌که شیاطین، همانند انسان‌ها مکلفند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۴۸۳) و در دنیا، با شهاب آسمانی و در آخرت، با آتش سوزان، مجازات می‌شوند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۲۲۹).

همان‌طور که ملاحظه گردید، در این بخش، دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خداوند متعال در جهان هستی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که با غرض اصلی این سوره که به فرموده علامه طباطبایی، همان ربوبیت عامه الهی است، به طور کامل منطبق و هماهنگ است.

۲-۲-۲. بخش دوم: تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسان‌ها (آیات

ششم تا چهاردهم)

*** آیات ششم تا ۱۱: منکران ربوبیت الهی:** «وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ * إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ * تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِئْتٌ كَبِيرٌ * وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ * فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ وکسانی که به پروردگارشان انکار آوردند، عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است. چون در آن جا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند، در حالی که می‌جوشد. نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: مگر شما را هشدار دهنده‌ای نیامد؟ گویند: چرا هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [الی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگی نیستید و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم. پس به گناه خود اقرار می‌کنند و مرگ باد بر اهل جهنم!».

در این آیات، سخن از کسانی است که نشانه‌های ربوبیت الهی و قدرت خدا در عالم را نادیده

انگاشته و راه کفر و شرک، پیش گرفته‌اند و از دلایل جهنمی شدن و نحوه عذاب آنان، سخن به میان آورده است.

مراد از «لِلَّذِينَ كَفَرُوا» در این آیه، عموم کسانی است که به ربوبیت خدا کافر باشند، چه بت پرستانی که به کلی ربوبیت خدا را برای عالم، منکر هستند و اعتقاد دارند که خدای تعالی، تنها رب اربابان ایشان است و چه آن‌هایی که به طور کامل، منکر ربوبیت الهی هستند و چه آن‌هایی که مثل یهود و نصاری، بین خدا و پیامبران، جدایی انداخته‌اند، یکی خدایی را می‌پرستد که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را فرستاده و دیگری، خدایی را می‌پرستد که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را فرستاده و هر یک، به خدا و پیامبر دیگری، کافر است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۵۲).

گفتنی است که در این آیات، به سه مورد از اعتراف کافران در قیامت اشاره شده است: الف. اعتراف به آمدن انبیای الهی و تکذیب آنان؛ ب. اعتراف به عدم تعقل و استماع سخن حق؛ ج. اعتراف به ارتکاب گناه خود (قرآنی، ۱۳۸۸ش: ج ۱۰، ص ۱۵۱). این آیه دلالت دارد بر این که تکالیف دینی، دائر مدار دلایل سمعی و عقلی بوده و این دو، از براهین الزامی کسب معارف بشری‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۷۹؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ج ۱۰، ص ۶۰۲۷).

*** آیه ۱۲: معتقدان به ربوبیت الهی:** «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ؛ کسانی که در نهان، از پروردگارشان می‌ترسند، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ، خواهد بود». گفتنی است از آن جا که خداوند سبحان، وعید و تهدید را در آیات قبل مقدم داشت، در این آیه، پرهیزکاران را وعده داده و فرموده، آن‌هایی که از عذاب الهی می‌ترسند، با پرهیز کردن از گناهان و انجام دادن طاعات به روش نهان، آمرزش و پاداشی بزرگ خواهند داشت (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۴۸۴). تعبیر به غیب در این جا ممکن است، اشاره به معرفت خدای نادیده و یا معاد نادیده و یا همه این‌ها بوده باشد. این احتمال نیز در تفسیر آیه، داده شده که اشاره به ترس از خدا در مورد معاصی پنهانی باشد، چراکه اگر انسان، معصیت پنهان نکند، به طریق اولی، معصیت آشکار نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۳۳).

*** آیات ۱۳ و ۱۴: آگاهی خدا از عقاید انسان‌ها و تبیین علم نامحدود الهی:** «وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ و [اگر] سخن خود را پنهان دارید، یا آشکارش نمایید، درحقیقت، وی به راز دل‌ها آگاه است. آیا کسی که آفریده است، نمی‌داند؟ با این‌که او خود، باریک‌بین و آگاه است».

درخصوص شأن نزول آیه ۱۳، برخی از مفسرین، چنین نقل نموده‌اند که جمعی از کفار یا منافقان، پشت سر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سخنان ناروایی می‌گفتند و جبرئیل به آن حضرت خبر

می‌داد. لذا بعضی از آن‌ها به یکدیگر گفتند: سخنان خود را پنهانی بگوئید تا خدای او نشنود! تا این‌که این آیه نازل شد و بیان داشت که چه آشکار بگوئید و چه پنهان، خداوند از آن آگاه است (ن.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۸۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۲۱).

لازم به ذکر است که سیاق آیه دلالت دارد بر این‌که تمامی اعمال ظاهری و پنهانی انسان، برای خدای تعالی، یکسان و آشکار است و منحصر در سخنان آهسته و بلند نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۵۴). آیه ۱۴ نیز با آوردن استفهام انکاری، استدلالی بر علم خدا نموده است؛ زیرا گرچه اعمال به فاعل‌ها نسبت داده می‌شود، اما موجد تمامی آن‌ها از طریق اختیار انسان، خود خداست و این‌که در پایان آیه، به دو وصف لطیف و خبیر که از اسماء الحُسنى هستند، اشاره نموده، در واقع، تعلیل صدر آیه است و این‌که لازمه نفوذ در همه چیز، علم به همه چیز است (قرشی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۱، ص ۲۶۰). ممکنات، وابسته وجود خدا هستند و اگر لحظه‌ای پیوند آن‌ها از ذات پاکش قطع شود، راه فنا پیش می‌گیرند، لذا توجه به این پیوند دائمی و خلقت مستمر، بهترین دلیل بر علم الهی، نسبت به اسرار تمامی موجودات، در هر زمان و هر مکان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۳۴).

همان‌طور که ملاحظه گردید، در این بخش، تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسان‌ها، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که با غرض اصلی این سوره که به فرموده علامه طباطبایی، همان ربوبیت عامه الهی است، به طور کامل منطبق و هماهنگ است.

۲-۳. بخش سوم: نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها (آیات ۱۵ تا ۳۰)

*** آیات ۱۵ تا ۱۸: آماده‌سازی زمین برای بهره‌مندی انسان‌ها:** «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ * أَمْ أُنْتُمْ مَنِ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ * وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ؛ اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخانی آن، رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز، به سوی اوست. آیا از آن‌کس که در آسمان است، ایمن شده‌اید که شما را در زمین فرو برد، پس بناگاه [زمین] به تپیدن افتد؟ یا از آن‌کس که در آسمان است، ایمن شده‌اید که بر [سر] شما، تندبادی از سنگریزه فرو فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم‌دادن من، چگونه است! و پیش از آن‌ها [نیز] کسانی به تکذیب پرداختند، پس عذاب من چگونه بود؟».

در این سوره، از آیات ۱۵ تا ۲۲، نشانه‌های تدبیر الهی ذکر شده است، تدبیری که ربوبیت خدا را اثبات می‌نماید که با هدف این سوره هماهنگ است و این نشانه‌ها، با انذار و تخویف، بیان

گردیده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۵۵). در این آیات، به دنبال بحث‌هایی که پیرامون دوزخیان و بهشتیان، کافران و مؤمنان در آیات پیشین گذشت، برای ترغیب و تشویق به پیوستن به گروه بهشتیان و برحذر بودن از راه و رسم دوزخیان، بخشی از نعمت‌های الهی و سپس به قسمتی از عذاب‌ها، اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۳۷). در ادامه، به بیان نمونه‌ای از مظاهر دائم‌الخیر بودن خداوند متعال پرداخته شده و آن، زمین است که خدا آن را رام و منقاد انسان نموده، به حدی که تمام تصرفات در آن قابل اجراست و البته اشاره‌ای هم به کروی بودن زمین دارد (قرشی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۱، ص ۲۶۴).

*** آیه ۱۹: پرواز پرندگان در آسمان:** «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ؛ آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند [که گاه] بال می‌گسترند و [گاه] بال می‌زنند؟ جز رحمان [کسی] آن‌ها را نگاه نمی‌دارد. او به هر چیزی بیناست».

گفتنی است که در آیات آغازین این سوره، زمانی که بحث از قدرت و مالکیت خدا بود، سخن از آسمان‌های هفت‌گانه، ستارگان و کواکب به میان آمد و حالا در این آیه، همین مسئله قدرت، با ذکر یکی از موجودات به ظاهر کوچک عالم هستی یعنی پرندگان، تعقیب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۴۳). این آیه دلالت دارد بر این‌که افعال اختیاری بنده نیز به نوعی مخلوق خداوند متعال و وابسته به او هستند؛ چرا که پرواز پرنده در آسمان و گشودن بال و بستن آن، فعل اختیاری پرنده است، اما در آیه، خدا آن را به خودش نسبت داده است (زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۲۹، ص ۲۷).

*** آیات ۲۰ تا ۲۲: ناتوانی معبودهای خیالی در یاری دادن و رزق رساندن به انسان‌ها:** «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ فِي الْإِفْئِ عُرُورٌ * أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُوقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ * أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ یا آن کسی که خود برای شما [چون] سپاهی است که یاری‌تان می‌کند، جز خدای رحمان کیست؟ کافران جز گرفتار فریب نیستند. یا کیست آن که به شما روزی دهد، اگر [خدا] روزی خود را [از شما] بازدارد؟ [نه]! بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند. پس، آیا آن کس که نگون سار راه می‌پیماید، هدایت یافته‌تر است، یا آن که ایستاده بر راه راست می‌رود؟».

لازم به ذکر است که آیه نخست، اشاره‌ای دارد به توبیخ و سرکوبی کفار؛ چرا که به جای خدا، معبودهای دیگری برگزیدند تا یاریشان کنند و به همین جهت، سیاق آیه قبل را که غیبت بود، به خطاب برگرداند تا توبیخ و سرکوبی، رخ به رخ انجام پذیرد و سرزنش آن‌ها، دردناک‌تر شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۶۰). هم‌چنین آیه پایانی این بخش، مثلی برای کافر و مؤمن آورده

و فرموده است: آیا کسی که سرش را به زمین افکنده و راه را نمی بیند، بر حق است یا آن که راست ایستاده و تمام جهات را دیده و قدمش را در جایی می گذارد که بی لغزش است؟! (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۴۸۳).

گفتنی است که برخی از مفسرین، مظهر این دو گروه را که آیه بدان‌ها اشاره نموده، پیامبر اکرم ﷺ و ابوجهل دانسته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۹۵)، برخی دیگر نیز، با اشاره به روایات، به معصومین علیهم‌السلام که از مصادیق بارز ثابت‌القدران در صراط مستقیم هستند، به طور خاص اشاره نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۴۴۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۳۸۴)، اما پر واضح است که این‌ها، تنها مصادیق روشنی برای آیه هستند و عمومیت آیه را محدود نمی‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ص ۳۴۴) و مراد آیه، عام است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۵، ص ۲۲).

لازم به ذکر است که با توجه به آیات این بخش و آیات پیشین، روشن می‌گردد که عواملی هم چون نداشتن گوش شنوا و عقل بیدار، غرور، لجاجت، سرکشی و فاصله گرفتن از حق، سبب بدبختی و گمراهی انسان بوده و او را به دوزخ می‌کشانند.

*** آیه ۲۳: خلقت انسان و مجهز ساختن او به قدرت شنوایی، بینایی و تعقل: «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ؛ بگو: اوست، آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها آفریده است. چه کم سپاس گزارید!».**

خدای تعالی، انسان را آفریده و او را با دادن صفات بسیاری از قبیل حواس پنج‌گانه ظاهری و باطنی از سایر موجودات، یعنی جمادات و نباتات ممتاز گردانیده است، اما در این آیه، به دو صفت سمع و بصر اکتفاء شده و این موضوع، به خاطر این بوده که این دو، مهم‌تر از سایر امتیازات است و یا منظور از آن دو، شاید همه صفات و حواس ظاهری است و در آیه، بر جزء اطلاق شده و کل، اراده گردیده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۶۱). در ضمن منظور از کلمه «أَفْئِدَةَ» در این آیه، قلب و نفس انسان است که با آن در مخلوقات الهی، تفکر می‌کند و با این امتیاز، از سایر حیوانات متمایز می‌گردد (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۳۱۵). لذا خداوند، تمامی ابزارهای شناخت را به انسان عطا فرموده است تا با او، اتمام حجت نماید (قرآنی، ۱۳۸۸ش: ج ۱۰، ص ۱۶۰). اما با این حال، بسیاری از انسان‌ها، شکرگزار نعمت‌های الهی نیستند.

*** آیات ۲۴ تا ۲۹: بازگشت انسان به سوی خدا و برپایی حتمی قیامت: «قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ * وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ * فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ * قُلْ**

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنًا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ بگو: اوست که شما را در زمین پراکنده کرده و به نزد او [ست که] گرد آورده خواهید شد و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟ بگو: علم [آن] فقط پیش خداست و من فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم و آن‌گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند، در هم رود و گفته شود: این است همان چیزی که آن را فرامی‌خواندید! بگو: به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند، یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذابی پُر درد، پناه خواهد داد؟ بگو: اوست خدای بخشنده، به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم و به زودی خواهید دانست که چه کسی، خود درگمراهی آشکاری است!».

در این آیات نورانی، اشاره‌ای به بازگشت تمامی انسان‌ها به سوی خدای تعالی شده و از عذاب کافران و رحمت مؤمنان در قیامت، سخن به میان آمده است.

دلیل این‌که چرا در آیه قبل، تعبیر به «أَنْشَأَكُمْ» و در این آیه، تعبیر به «ذُرَأَكُمْ»، نموده است، شاید به این علت باشد که جمله اول، اشاره به ایجادکردن انسان از عدم و جمله دوم، اشاره به آفرینش انسان از خاک دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۲۴، ص ۳۵۱). در برخی از تفاسیر، منظور از «هَذَا الْوَعْدِ» که مشرکان و کافران آن را به حالت استهزاء و تمسخر، طلب می‌کردند، اشاره به حشر و قیامت و عذاب‌های اخروی (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق: ج ۸، ص ۲۰۲؛ سید قطب، ۱۴۲۵ ق: ج ۶، ص ۳۶۲۸) و در برخی دیگر، علاوه بر آن، اشاره به مجازات‌ها و عذاب‌های دنیوی نیز دانسته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ج ۳، ص ۵۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱۰، ص ۴۹۴). اما با توجه به سیاق آیات، اشاره به جزا و قیامت موعود صحیح‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۹، ص ۳۶۴). در پایان آیات نیز بر این نکته تأکید نموده است، هنگامی که کافران، آن وعده الهی و عذاب‌ها را از نزدیک مشاهده کنند، صورتشان زشت و سیاه می‌شود، به گونه‌ای که آثار غم و اندوه از آن هویداست و در آن زمان، به آنان گفته می‌شود که این، همان چیزی است که شما تقاضای آن را داشتید.

* آیه ۳۰: جاری نمودن نعمت آب بر روی سطح زمین: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؛ بگو: به من خبر دهید که اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان، برای تان خواهد آورد؟».

در این آیه، به یکی دیگر از نشانه‌های ربوبیت الهی در جهان هستی اشاره شده است. در واقع، خداوند متعال، در این آیه از طریق ایجاد پرسش، توجه عموم را به مهم‌ترین ماده حیاتی بشر، جلب نموده و خواسته است تا مردم بیندیشند که اگر آب گوارا را از مردم دریغ دارد، چه کسی می‌تواند

آن را فراهم آورد. لذا آیه دلالت می‌کند که حقیقت مصدر رزق، علم مطلق و... خودِ خداست (ن.ک: سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۶، ص ۳۶۴۳). لازم به ذکر است که در این آیه، کلمه «عُور» به معنای «فرو رفتن آب در زمین» و کلمه «مَعین» به معنای «آب جاری بر روی زمین» است (ن.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۸۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۸، ص ۲۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۴۹۴). در ضمن در ذیل این آیه، روایات فراوانی وارد گردیده است که «ماء» را بر امام معصوم علیه السلام، تفسیر نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۰۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۴۴۸). البته منظور از آن‌ها تفسیر نیست، بلکه از باب تطبیق کلی بر مصداق است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ص ۳۶۵؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۱، ص ۲۷۰).

همان‌طور که ملاحظه گردید، در این بخش، نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که با غرض اصلی این سوره که به فرموده علامه طباطبایی، همان ربوبیت عامه الهی است، به طور کامل منطبق و هماهنگ است.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه و تعمق پیرامون مباحث ذکر شده، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. یکی از روش‌های نوین در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر ساختاری است که در سال‌های اخیر، به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. این روش تفسیری از امتیازها و کارکردهای زیادی برخوردار است، در نتیجه می‌توان از این روش، در تفسیر تمامی سوره‌های قرآن کریم، استفاده نمود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای این روش، آن است که پس از کشف استدلالی ساختار و غرض اصلی سوره، می‌توان معیار دقیقی برای فهم نکات تفسیری سوره به دست آورد.

۲. سوره مُلک یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که هدف اصلی این سوره در نگرش ساختاری، با تأکید بر ربوبیت الهی نازل گردیده است. نگرستن به تفسیر ساختاری این سوره در پرتو دسته‌بندی سیاق و با استناد به نظرات مفسران شیعه و اهل سنت، به خصوص صاحب تفسیر المیزان، چشم‌انداز نوینی به فهم مراد و مقصود الهی در پی دارد.

۳. از طریق کشف استدلالی غرض سوره مُلک و تفسیر و تحلیل ساختاری آن، روشن گردید که این سوره، ناظر به تبیین و توصیف فرمان‌روایی و ربوبیت عامه الهی بر جهان هستی و زندگی انسان‌ها بوده و مواردی هم‌چون دلایل ربوبیت الهی و فرمان‌روایی خدا بر جهان هستی، تأثیر اعتقاد به ربوبیت خدا در سرنوشت اخروی انسان‌ها و نشانه‌های تدبیر و ربوبیت الهی در زندگی انسان‌ها، به عنوان اهداف فرعی، مورد توجه بوده‌اند که هر یک از این موارد، با غرض اصلی این

سوره که به فرموده علامه طباطبایی، همان ربوبیت عامه الاهی است، به طور کامل منطبق و هماهنگ است.

۴. تعمق و دقت در نکاتی که در تفسیر ساختاری این سوره بیان گردید، روشن می‌سازد، آیاتی که در این سوره با محوریت موضوعاتی هم‌چون مرگ و حیات، نظام شگفت‌انگیز خلقت، آفرینش آسمان‌ها، زمین، پرندگان و... ذکر گردیده‌اند، دارای فراوانی بیشتری نسبت به سایر موضوعات مطرح شده در این سوره بوده و هر یک به نوعی، با موضوع تدبیر و ربوبیت الاهی ارتباط دارند.

فهرست منابع

۱. **قرآن کریم**، مترجم: محمد مهدی، فولادوند.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی**، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، **تفسیر التحریر و التنویر**، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، **المحرر الوجیز**، تحقیق عبدالشافی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، دارالفکر، بیروت.
۷. اطرش، محمود احمد، (۲۰۰۸م)، **الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم و السوره القرآنیه**، دارالایمان، اسکندریه.
۸. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۵ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه البعثه، قم.
۹. بقاعی، ابراهیم بن عمر، (۱۴۲۷ق)، **نظم الدرر فی تناسب الایات و السور**، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، دارالکتب العربی، بیروت.
۱۱. حجازی، محمد محمود، (۱۳۹۰ق)، **الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم**، دارالکتب الحدیثه، قاهره.
۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر، (۱۳۱۱ش)، **پژوهشی در تاریخ قرآن کریم**، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۳. حسینی، بی بی زینب و همکاران، (۱۳۹۶ش)، **جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن کریم (مطالعه موردی آیات ۱۰۴، ۱۱۴ و ۲۷۵ سوره بقره)**، کاوشی در پژوهش های زبان شناختی قرآن، سال ششم، شماره یک (پیاپی ۱۱)، صص ۱۳۳ تا ۱۵۲.
۱۴. حسینی همدانی، سیدمحمد، (۱۴۰۴ق)، **انوار درخشان در تفسیر قرآن**، نشر لطفی، تهران.
۱۵. حوی، سعید، (۱۴۲۴ق)، **الاساس فی التفسیر**، دارالسلام، قاهره.
۱۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نورالتقلین**، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۱۷. خامه گر، محمد، (۱۳۸۱ش)، **درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن کریم**، پژوهش های قرآنی، شماره ۳ و ۲۹، صص ۲۰۸ تا ۲۱۷.
۱۸. —، (۱۳۹۲ش)، **ساختار سوره های قرآن کریم**، انتشارات نشر، قم.
۱۹. دراز، محمد عبدالله، (۱۴۲۶ق)، **النباء العظیم**، دارالقلم، کویت.
۲۰. دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱ق)، **التفسیر الحدیث**، دارالغرب الاسلامی، بیروت.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ قرآن**، دارالشمایه، بیروت.
۲۲. رامیار، محمود، (۱۳۶۲ش)، **تاریخ قرآن**، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۲۳. رشیدرضا، محمد، (۱۳۶۶ق)، **تفسیر المنار**، مطبعة المنار، قاهره.
۲۴. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، **التفسیر المنیر**، دارالفکر، دمشق.

۲۵. زکی، محمدعلی، (۱۳۹۷ش)، **ساختار و هدف‌مندی سوره سباء در تفسیر المیزان**، نشریه قرآنی کوثر، شماره ۶۱، صص ۲۷ تا ۴۸.
۲۶. زمخسری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **الکشاف**، دارالکتب العربی، بیروت.
۲۷. سید قطب، (۱۴۲۵ق)، **فی ظلال القرآن**، دارالشروق، بیروت.
۲۸. شحاته، محمد عبدالله، (۱۳۶۹ش)، **درآمدی بر اهداف و مقاصد سوره‌ها**، مترجم: محمدباقر، حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۹. شلتوت، محمود، (بی تا)، **الی القرآن الکریم**، دارالشروق، مصر.
۳۰. شوکانی، محمد، (۱۴۱۴ق)، **فتح القدیر**، دار ابن کثیر، دمشق.
۳۱. صالحی، حسن، (۱۳۹۸ش)، **کشف غرض سوره «ص» با تأکید بر تفسیر المیزان**، مطالعات تفسیری، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۲۷ تا ۱۴۰.
۳۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، دارالمعرفه، بیروت.
۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، محقق: احمد، اشکوری، نشر مرتضوی، تهران.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **التبیین فی تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. غروی، سعیده، (۱۳۹۴ش)، **تفسیر ساختاری سوره «یس» با تأکید بر تفسیر المیزان**، مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۰۳ تا ۱۲۲.
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۹. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، **من وحی القرآن**، دارالملاک، بیروت.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، مکتبه الصدر، تهران.
۴۱. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۴۲. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، **قاموس قرآن**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۳. —، (۱۳۷۵ش)، **احسن الحدیث**، نشر بنیاد بعثت، تهران.
۴۴. مدرسی، سید محمدتقی، (۱۴۱۹ق)، **من هدی القرآن**، دار محبی‌الحسین، تهران.
۴۵. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، **تفسیر المراغی**، دارالفکر، بیروت.
۴۶. مسلم، مصطفی، (۱۴۱۰ق)، **مباحث فی التفسیر الموضوعی**، دارالقلم، دمشق.
۴۷. —، (۱۴۳۱ق)، **التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم**، جامعه الشارقه، امارات.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۹. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، **کشف الاسرار و عدّه الابرار**، نشر امیرکبیر، تهران.